

صاحب امتیاز
و مدیر مسئول
دکتر اسمعیل
اردلان.

کوشش ناتمامی کوشش

بهیچ حزب
دسته یا جمعیتی
بستگی ندارد

تک شماره ۴ ریال

شنبه ۳ اردیبهشت ۱۳۲۴

سال اول شماره ۹

انتخاب نخست وزیر

هوت پات مطوط گرد و پیران دیگر
مجلس وجود دارد که توافق نظر بین
کامنه گان را مکتب ماشه است بطوریکه
همچو از این دستجات فلا پیشهادوست
دیگر را قبول نمیکند و چون نظر، نظر
شخصی است اگر بگذارم حرف عالی
پرت آنچه را که میگویند با آنچه که خیال
میکنند مطوت است.

مردت و هر عده ای بنا به کانه باری
خود مشورت اقدام است و طوری است
وای حکمرانان که در مقابل دلب و
منافع هم اغلب مرتکب فرود نیآورند
آنگاه هم ظاهر عده ای از کانه باری خود
بلا طری صرف نظر کنند و مشرف عده
کامیه می دهند دیگر رأی بینه چون
درین رأی دادن هم متنبه ای انحصار
دارند از همان ساعت مخالفت را از
میکند، در گنجین نطقه تا براه کوچکی
دو کار با همگراش بیانه، آرا بزرگ
میکند ستوان و استیضاح می دیند و
پنابین مصلحت قدری فکر می کنند که
میورود با عرض باری اصطلاح داده از کار
پیکار رود.

دیباچه شماره ۱۰

در این هفت پیاپی شماره ۱۰ حزب عدالت شبه کردستان
بدلتر روزنامه رسیده.
مصلحت این پیاپی جای از طرفی بافت غور فرتی و امیدواری
بود و از طرفی موجب تامل و ناامیدی.
از خواننده این پیاپی شخص خودخواه است برای اینکه
حس میکند هنوز دو سنتج اظهارش روشن نگری هسته که حکومت
بست سال و پنج و نشر استبداد نغمه یاشان را سلاخی نگسوده
سر دی برهوردی دارند و با وجود اینکه شور آزادی در آنجا
حکمرانان بست از کسی باک اداشته با سده ای بلند فرقه میکنند
اظهارات خود را سر دی آوردن چایی فقر و مردم را به اصلاح
مبارزه در علیه سببین به بخت کردستانان دعوت مینمایند.
از خواننده پیاپی شخص متاثر بشود زیرا مرینه بر سر باری
شخص که نظما سحر چنگترین میباشد ای برای مردم ندهد ستانهای
بیانده عده ای در علیه دیگر از هم شهر با بیاباز در انداخته.
و بس مالیه ستانج که تا بحال نطقه این خدمت میده ای نام
داده با فخر سر گردان شده بر سر شوی با بی دوستی با دوستی
او، مخالفت عالی بین مردم اجاد شده.
عده ای با مکرر ودلیل بار حله کرده اند، عده ای بغواش
و تننا از او دفاع می کنند و در این گهرودار بدین مردم حسین
ادامه دارد.

به من که این سطور را مینگارم و از کردستان دووم، بلکه
خود شاماک که فردیکه و ناظر لفظا با من معیله بید، من مسلم
این مبارزه که جنق با بناسق فرود شده حال مردم میده نیست پیاپی
شخصی که از روی طبله اینان کار میکنند که بکنه که شتر؟ با فده
شایر بر سر رئیس عالی نام، بنیاده مکتب و از این مچاول نغانی
وجود میآورد، این طلق ودلیل بافت استفاده بشمارگان خواهد
بقره رسیده.

اگر نمایندگان توانستند این اصل را بپذیرند که اول باید
صفت و مشخصاتی برای کانه باری بخت و وزیر دوطرف گرفت و روی
ان اصل توافق نظر حاصل کرده میتوان رفت دنبال کسی که واجد
این شرایط باشد.
ولی آیا از این مجلس متروان امید داشت که اصلا روی
این نظر بنی شایه و یا اگر احیانا بشرح هم ممکن دست توافق
نظری حاصل فرود آید اگر توافق نظر هم حاصل شد ممکن هست
بدان عمل کنند.
متاسفانه باید گفت غیر از مجلس گوشش این حرفها به کار
است و تا باید انتظار داشته باشیم این مجلس چند فسقری را
تلوبت کند.
سرنوشت کانه بخت اصلا در ذهن است همان طریق اصول
پس از چند روز بنگه چند منتظر شخصی را که نظرها تشریح
در مجلس شامل فرود آید اگر توافق نظر هم حاصل شد ممکن هست
مدتی دوباره یاداد و فرهاد مطرح را خواننده خواهد.
تا فرقه این هفت پیاپی که شخصی امایه کند

پلازمه موضوع نمایان فرا گسود ای
مجلس پیش آمده.
کانه باری عالی متوجه سر از روی چه عالی
فرا مشرف شاه چون کیده پاران اینکته
طبله نه تا از این شوان کسفره شده
بهری ای گه نه.
حقق التوبیهای سولر لولای
منز دهمان را جسته و شکر در آورد
بازار زد و بنه روشی از سر گرفت.

اساسی چندی پلا رود زبانها شده
کتبکار و مردم پختناسانی نطقه وزیر چه
قبل از آن تصاب بیشتر شده، اظهار مجلس
گرا بپا تر شده.

حکله عالی است با وجود اینکه
مطوط کانه باری برای ما امری عالی شده
اگر کانه باری چند سیاسی دوام با بخت
تسبب مات، باز از احساسات خود دست
فریبنداریم و باز با وجود تمام انتحالی
که تا بحال مجلس داده، بی
شغال واقعی میوروم و گمان میکنند این
دفعه واقعا فاشتر خواهد شد، روش
مسایبان تئیر خواهد کرد و دیگر اولوزای
فریاد باری حادائی که تا بحال آمده اند
بر سر کار خواهد آمد.
بغالی اینکه اگر مصلحتی وقت خود
عکس است، تزوان کرده شود، ادعوش
میکند میوتوبه بیرونی کاجاست آن گوش
شوا و کاجاست آن اثر بی که منافع
عسوی را بر طبع شخصی ترجیح داده بدلیل
عرف حساب برود.
مجلس مال اولی اصلاح طلبان اکثریتی
که هر چه منافع شخصی چیزی توجه ندارد

در مجلس شورای ملی

شبه ۲۸ فروردین

در این دور چون پیش بیستی میبود که تکلیف دولت مین کرده همه زبانی در جایگاه، تاجهاجان و لبانندگان مطبوعات و زواریهای دیگر، مجلس را زگرته بودند.

چندی است از اینکه گزارش انتصاب کمیسیون با اطلاع مجلس رسیده آنانی لغت و وزیر تعلی ابرار نبوده گفتند، چندی است از اینکه مجلس بیستی با نظریت دولت مطالبی اظهار و گفتنهایی که اغلب آنها را با بی نظریاتی خاص مخصوص دربارهای اجزای متکس نبوده، آنرا بیستی من که با اصول و قوانین و آیین نامه مجلس شورای ملی آشنا هستیم سی جای تکیب بود که در مجلس بخواه از طرف قانونی که سوال و استیضاح است، همان بیستی و ولی در خارج این بیلیات را که انتشار آنها در ولایات جز تخلف دولت مرگ و مروج هر چه نتیجه دیگری نخواهد داشت نبودند سایر این بنوا بهالغین گوهره نبوده که اگر عدم رضایتی است از طرف قانونی وارد تا دولت مردم مجلس شورای ملی حاضر شده سی از مخرج مطلب تکلیف دولت بوسیله قضاوت مجلس مین خود مسامحه بازم تا بیری نکرده و بر سلمات پیشی روزانه ما افزوده شد. مهم

همه که برای خانه دادن باین اوضاع به مجلس شورای ملی آمده و بهالغین خود در تمام استیضاح بیستی تقاضای توضیح می آید.

دولت من در آواز کار مواجعه شده با موضوع اختیارات قضائی و کتبی بوسیله تکلیف این امر که چنانکه ماه وقت دولت های سابق را بی نتیجه گرفته و مورد ملا

اثر بیست مجلس بود میبایست معلوم بود، چه بیستی که دولت را این باب بفرج داداز طرفی و از طرف دیگر بواسطه تنگنای کابینه که از ایضا اختلاف حزبی حاصل شده بود، سیب همه آن از همان روزهای نخست پیش از، و اولین اولیة اذن روی گردان شده

در بیان این موافقتی که بصورت دولت شده بود انتظار میباید آنگاهانی که در روز موافقت تریه میگردند تریه عقیده داده در صورت موافقتی در آینه و پشتیبان دولت و اقدامات او واقع شود

این انتظار مسامحه میبوده بود زیرا آن آنگاهان که تنها روی موافقتی نشان نداده بلکه بر مخالفت خود انزودند و از آنجا، موجب سرد روی بودن و در نگرار کرده

سیب بفرج اقداماتی که دولت در طول زمانه از این بیان بصل آورده بود برداشت و در بیان گفتند:

من انتظار دارم باین که در اینصورت کوتاه با وجود همه کار شکنی ها بازاری همکاران خود سربان مشکلات فایز آمده و از اقدامات خود خارج نیکو بیست آورده

ایم، مخصوصا خود وقتیم که در این موقع سیاست خارجی ما روشن است و با همه همسایگان و مخالفین بدون استثناء حسن تمام کامل برقرار میباشد و اگر کسی خلاف این را گفته باشد ریاضت الهی و شومی و بیاری است بخواستن از ما و در وقت استفاده بوده است

پس از این بیانات آقای نخست وزیر آقایان صفی و دکتر صفی و بیجانی اظهاراتی نبوده و بالاخره بیستی از آقایان صفی بر گزینن رای اعتماد تصویب گردید

چون تعداد موافقتی دولت کمتر از



آقای سرکرده ممبران از طرف ستاد ارتش مامورین کشورستان اعزام شده اگر چه اطلاع کاملی از نوع کار و شرایط آنرا در اینصورت نداریم ولی گویا برای برابری در وقت اندام ما و برای رسیدن در این ماموریت موافقت فوری شده نگاهتاریکی را که ما در اینصورت در این ماموریت کردیم برای تداومش روشن گفته و شانه اطلاعات ما در این مضمین که بنام ایشان الکتر عمومی بخواهد صورت گیرد، موافقتی است بگفته و موافقتی خود آنچه را در حلیت است بدون ملاحظه با اطلاع ستاد ارتش برسانند

نصف بلا و در یک بودا گزینن که لازم بود، از دولت بهر حال نقد آقای نخست وزیر و وزیر امور خارجه و از آنکه در اینصورت موافقتی می شود

جلسه بیستمین فروردین در این جلسه لایحه دو واژه هم مطرح تصویب شد

آخبار کشور

تقدیم استفا و صدور دستور حسرتی شبه ۲۸ آقای بیات دو کاخ سلطنتی خنجره به پشت میساجون هاشمی شریاب شده و استعفا دولت را حضور ملوکانه تقدیم نموده سپس استعفا داد و بیای آقای احمدی معاون نخست وزیر اوسا لازم صادر کرده که تا بیست دولت جدید با امور سر مطهره سگی اینبارت و وزیر اوسا ملوکانه بوسیله آقای احمدی صادر کرده و معاونین و وزارتخانهها تا تشکیل دولت جدید با امرای جاری وزارتخانه ها عا رسیدهگی و مراقبت نمایند

آقای رئیس مجلس در حضور ملوکانه

ساعت هشت و نیم از ظهر به قته ۲۸ آقای رئیس مجلس از طرف امپراطور همراهی و استعار و بیس از مذاکره و اطراف چهران استفا و سقوط دولت امپراطور سایرین تامل میباید رسیده نخست وزیر آمده بوسیله آقای رئیس اوسا در وقت که فرمودند که منقضی است مجلس هر چه فرود تریالیات خود را بنهت وزیر جدید ابراز داره تا در تشکیل دولت جدید تسریع شود

گاندیدهای نخست وزیری در چند کابینه های نفع دورری بیست از آقایان منصور و مستشار الدوله و وزیر زمین مسامحه تری دارند

ورود هیئت اعزامی واشنگتن

ساعت ۸ صبح روز ۲۶ فروردین با زده نفر نمایندگان امرای ابرار و اعضای وابسته آنها در کنفرانس سازمان

بچه در صحنه ۳

ساحت مسافران با صدای بلند فریاد کرد لید، لید! دختر جوانی از داخل حارت بیرون آمده جناب او گفتند، این دختره امن لیکونی دربرده، بچه گردیده ملا دوستی و بچگت گوهواره در گوش مایین دیده میباید، با مایین بی خران بوده

دختر جوانی مسافری را در اطاق ... تری داخل کرد اطالی بود کوچک و نیک و زیاده آ با بیستی فرسی در اطراف برکنه بود در چه گوشه اطاق کینه ها گرفته و در کوفه دیگر دستهای مسند گند و جو کرده داشته و از این مرد روی نامطمینی به مراتب بود و طرف نیز بیله های گرم ابرهم ریخته شده بود و آستین او را که از او دیده میبود دیگر بی بهره نبوده به یک میز پرمه از مسر و کاه و کافه های پاره چند تنهایی شراب و کتف اینها اناطه اطاق را تشکیل میدادند لید! فرود شروع به پاک کردن روی بیز نموده ... هراس از خادمه بیباید اطاق های دیگری نداری که با بچه ۱ دختر جوان در حالیکه سر بایشان را بر نمی تکان میداد گفت آ، خیر این اطاق از بیستی این اطاقهای مست

— بسیار خوب نللا غذا به حاضر داری، خانم کفرانه خیالی کم این اطاقی میدادست بدین جهت تمام کارهای ستر را به پیشش وا گذاشته بود

— حضرت خانم ملاکونی حاضر دارم

— بسیار خوب آرا بیابوده آما دیگر چه ۱ لید! بعد از این سوال فدا شده که سرکار مست در جواب دیگر برگرداند مثل اینکه بیواسطه از دهمن کینه های کینه با بیله های گرم ابرهم

ترجمه و نگارش: آقای منصور استوار

مزاره دزدان

فصل اول میخانه کلاب

هرادهای از غم و غمب در همسان جوانی ایتالیایی هویدا گشته ولی رودنی خانوش گردید

اما این تغییر حال از غم خانوش کلاب لاند که از پرچم اوزا میگریس بود نبوده، سیب و روزی در کرده گشت، لرزه عزیزم، خود بیستی لغری مواظبت خودتان بایده، ایتالیایی ها مردمانی بسیار زود بین و آبر گزین کشش هستند و چنانکه در میان خودشان ضرب التسلط میکنند و بیواسطه در وقت در زیر پای خود پنهان دارند

لیکن هر اس که در آه لطف بهیاری در حمله بود برای نداده و بدون اینکه باورش در در آروتن گشته که بنده است از کلاب، برداشته

چنانکه مسافران لغت و روان که در همین لفظ صاحب مسافران و در برابر او ظاهر گشت، از بیستی دارای تمامی کوتاه ننوشت، و نایبنا بود، سیبا نامطوب و زهنت در میان لیب های کتیب و چهرگی که برتن داشت منتظر ای سی گرامه انگیز بار بشنیده بود چنانکه هر کسی را از رفتن به مسافران اش منظر میگرد

اخبار کشور

پایه اولی
 یک نفری مثل مطلق که در روز ۱ اردیبهشت در سالن ورزشگاه سیکو تشکیل می‌شود مرتب است
 از آقایان کاشفی دکتر سید علی انصاری صاحب دکتر علی سر لشکر رانسی سرمنه مناری ایل ارفع در کمرو سیکو نظری گوردی از طرف طافه - پرواز بوده که از راه کابلانگن براشکن می‌روند.

بازار ننگرانی که از واشنگتن رسیده بازده فراوانی شدت اعراسی مصر روز ۲۸ فروردین براهنگن وارد شده است و با وجود آن خبر بسیار می‌رود و چون فارسی و انگلیسی و سانسراسیکو نیز زیاد مشاهده شد از این پس از این دو روز استراتژی آنها بسیار سانسراسیکو پرواز خواسته شود تا روز ۱ اردیبهشت در کنگران سازمان بین‌المللی مثل متعلق در کنگر نماند.

رئیس اقتصادی اصفهان

آقای مهدی کاکار از طرف هیئت مدیره سازمان اقتصادی سیست ریاست اداره اقتصادی اصفهان منصوب گردیدند

ریاست اداره آمار کار

آقای فتح الله مندی به بازاری رئیس وزارت بازرگانی و پیشه و تر با حفظ سیست ریاست اداره آمار کار منصوب شده است

معاون اداره آموزش

آقای طریقی رئیس هیئت مدیره معاونت اداره آموزش وزارت کشاورزی منصوب شده است

فرماندار فوتیات

پیش فرماندار بر حسب تصویب هیئت وزیران تمیل پشیرستان گردید و آقای محمد اسان دوست به‌جای آنجا به فرمانداری اوردت منصوب و حکم موسی اعلان صادر گردید

حرکت نمایندگان مجلس ایران

دو دکترانی سانسراسیکو و چهار نفر روزنامه نگاران با آمریکا

ساعت ۸ روز پنج شنبه سی ام - فروردین نمایندگان دکتر دلفی دکتر جبهه دکتر احتیاج نمایندگان مجلس که از طرف مجلس شورای ملی برای هر حرکت در کنگراس سانسراسیکو تعیین شده بود با هواپیما سوی آمریکا حرکت کردند تا به آنجا که کنگر فلاخر کرده اند ملحق شوند چهار نفر روزنامه نگاران ایرانی آقایان مهدی منار عباس منصوب و ایوا با تمام استند دکتر معیاج رده که بنا به دعوت با مرخ دولت آمریکا و آمریسی هیئت وزیران امری است و دو نامه برای آن دیه آمریکا در محل کنگر موسسات سیکو منتظر فرسکی آن کشور دیه احتیاج گردیدند مباحثان هواپیما نیز با ترک کردند

انصافات وزارت جنگ

آقای سرمنه سید حسین حاشی به فرماندهی تپ موزور به تهران آقای سرمنه احمد زور پور بر نامه می آید
 آقای سرمنه جلال زاکری بر نامه می دهد

پخشدار صومعه سرا

بر حسب تصمیم هیئت وزیران صومعه سرا کنگر تبیل به شهرداری شده و بموجب حکم وزارت کشور آقای علی شیرخنده به شهرداری صومعه سرا و کنگر منصوب گردیدند

بازداشت

جاسی در شیراز از سوی پشیرستان بازو کانی ناحیه راه آخن تهران از طرف دادستان دیوان کبیر اتهامات مخالفان زکالی گردیده است
 مولینون ریال اخلاص آقای سرمنه کنگر و دستور رئیس کاردرایی سابق لشکر اول سانسراسیکو دیوانیون ریال از طرف دادستان ارتش بازداشت گردیدند

شرکت در جشن ۲۵ ساله

پشیرا به‌عنوان دولت اتحاد جماهیر شوروی ۱۵ نفر از آذربایجان به اتفاق آقایان طلق افشاری - گل کلاب - پیشروی - سید علیسی - و سید علی آردیل ۲۸ آوریل ۸ اردیبهشت برای حرکت در جشن جهانی که سانسراسیکو و پنجین سال آنجسی جمهوری آذربایجان برپا خواهد شد یاد گردید خواهش و امتیازت سفارت در مورد دروزز خواهد بود

اجاره ضرب مسکوک

هیئت وزیران موافق تصویب نموده که بانک ملی ایران متوافق ۲۰ میلیون ریال مسکوک قره ضرب نماید

محاکمه افسران فراری

رئیس داد ارتش بازداره دادوسی دستور داده است که افسران فراری هرچند مردان و جوانی که دعوت نموده اجازات نمانند ولی گویا وزارت داده - کنگر و دوسری نمایندگان خود به امری اصالیگی

در دینان وجودی صندوق

لنگر افغانانه
 دروزز پنج صومعه کونولین وزارت پشیر ننگرانی بازداره مراجعه میکند در اطمان قبول لنگر افغانانه مشاهده میکند صندوق داد و لای صندوق آملین گذاشت و سه اند و صندوق داد در حال مرکز افغانا است صومودی صندوق نیز سرقت شده است - درون فوراً باید که صندوق داد ششانه و او را در کنگر جات برده فوراً رئیس اداره آقای و سامونین شیر برای باقن باروسهای وزارت پشیر ننگرانی در محل حاضر و موضوع را در مورد وقت قرار می‌دهد و رسیدگی باین امر ادامه دارد و صندوق داد که در حال حرکت بود به پشیرستان مستقر شده و قضت تحت نظارت است - موجودی صندوق گروهاش وزارت نامه است

بشم آقای دکتر برسی برعلی

پداشت کورک هنگام تولد

وقتنکه نوزاد انسان از رحم مادر جدا شده و قدم دو دنیا می‌گذارد می‌گذرد به پشیرا موجود ناسی و نانیاسی است که از داشتن وسایل مناسبه و نیازها در همانا لذت‌ها طیبته محسوس مشاهده بطوری که سبناوی کنگر که دو هفته اول زندگی طالی نوزاد پیمان زندگی چینی خود اندام می‌دهد و پشیرا جی سبناوی حاض و اصحاب و تلس و ترشح خود را برای دارا بودن پشیرا زندگی مستقل و متعین تشکیل و پشیرا پشیرا

پس در همین شق انداختن است که وظعاً مادر نوزاد را حمل در جای اهدیت مرده پشیرا مانند سایر طور که کورک خود را در تولد اول در جای داده و باختر خود او را تشنه بوده است پس از تولد نیز باستانی برود در فرسوسیت خوش پروانه و در فرسوسیت خوش پروانه روان پشیرا خود پشیرا اهدیت گشود

امروز می‌خواهیم رابع مورد سخن کورک و خطراتی که هنگام تولد در اطراف کورک کشیده شده را مطالعه کنیم است زندگی او را بخاطر سبناوی زنگه گشودند و اینها سبناوی اسرارها می‌کند که هر ماهی برای حفظ جبهه خود اندامی آنها لازم است بطور زیرین را به‌عنوان مورد توجه قرار دهد

۱ - سرما - چنین در فرم مادر در محیطی قرار دارد که درجه حرارت آن ۳۷ درجه سانتیگراد است و سبناوی باید تا ناپا مواج باشد - محیطی می‌شود که درجه حرارت آن در حدود ۲۰ بوده و در نتیجه این اختلاف ناگهانی تا زمان بزرگی در جسم نوزاد خواهد بود - جهت درمان که پس از پشیرا از آن سبناوی مشاهده می‌شود سبناوی سرخاوردگی است - سبناوی تولد می‌شود است که دراز کشیده می‌شود - همه است تا سبناوی پشیرا تا نالی سقوط نموده است آب تنی کورک سبناوی نپورده حفظ فقط نوبت بود پشیرا بن نوزاد را با روشن می‌شود و در روزهای اول سبناوی از بین را به‌عنوان دیگری پشیرا و پشیرا آرا می‌شوند

ملاحظه آنرا احتیاطات این است که چون سطح پشیرا کورک نسبت بوزن او بر سبناوی پشیرا این شخص بالغ پشیرا - باهه دفعه حرارت نیز سبناوی بوده و در نتیجه پشیرا طفل خیلی زود سرد می‌شود

ویلا از روی همین نظر است که در صورتی کالی نوبن حرارت خرابی که به‌صورت ضرورتی که کورک کالی موهه دنیا آینه باهه (پشیرا ناری باهه) لازم است تا یک باهه در اطراف جسم لطیف اجاد گردد
 ۲ - میگرب - این موجودی تپا که کورک که سطح با - می‌کسکوبی بوجود آن می‌تواند بی‌رغ و مسب الفب سبناوی هایگی است - در همه جا بطور نوبت می‌شود در آب و خاک در هوا غلام در هر سطح که موجود زنده حیوان با گیاه هست میگرب نیز وجود دارد -

اما انتقال میگرب بگورک بیشتر توسط فاهسی که همه‌دار پرستاری وی هسته و با فوکیه او می‌شود صورت میگرب - هنگام تولد میگربها چندین طریق ممکن است وارد اعضای بدن نوزاد می‌شوند

یکی از راه زخم ناف بدینجهت تا سبناوی که التام این زخم با تمام نرسیده است باید با سبناوی حقیقت آرا محفوظ داشت - دیگر از راه پوست بدن که در همه‌جا اول زندگی لطافت مخصوص دارد بنابراین باید بدستوری تپف بدن نوزاد را لیس نمود حتی معام از سبناوی چهره او باید خود داری نباید و از همه بیشتر آنکه اطراف ناسوس و نوزاد را با آب و کورک داد نباید به پشیرا طمل در یکدیگر پیوسته

مدان نوزاد تا براصله نازک بودن معاط و سهولت ترک خوردگی آن راه دیگری برای نوزد میگرب با سبناوی است که مادران از گذاشتن انگشت خود یا هر شیئی دیگر در دهان کورک است تا باید اجتناب نمایند

گرد و گردستان

بک غزل کردی

«از کیفی»

او مالدله دامشکه خنابوی برده
 برنج زرنگی نم بهم وحله کرده
 لولاره که له اولاره بام لاره کناره
 یا باهوشی غایره بری روز داروه
 یادو که منی چته مننه ارشمه ستاره
 باهوشی سه تاره که مانع لهانهوه .
 دامی که له روی دانه خالت تتراره
 زای برانه ، با بان اوزره تتراره .
 هه منی فلظم و نه ظلمت امه آره
 بهی ظلمت بهه امه آره حیانت غلطاره .
 دل تینوه ستاره و بهی طانت و تئاره
 رینگ بهی آره که دچم ریم بهی آره .
 او لاله اوچسامه فراده بی سواره
 بو کئی « آخه کرد خنابوی لاله
 این لاله را آتای ناصر آزادبوک از سنج ارمال داشته است

پس از هزیت امام حسن جانب عهدان .
 عهدان هم رو با بویه عهدا هم با
 شهزاد سوار عازم (شهرزور) میگرددند
 ششکانه از رود (سی وان) میگذرند و
 مسر در برابر سیاه اکراد که برای دفاع
 حاضر شده اند عرض اهدام مینمایند در
 حله اول ابو بویه اصراری گفته میشود .
 در حله دوم موسم که سه روز چک
 دوام داشته .

لشکر اسلام شالاب آمده کوه ودشت
 را از خون اکراد و گنبد فرهاد نصیبت
 و غراب و آنشکمه عازم آموش میازند
 و دشمنان را اسیر و اموال و اقامت
 را بشارت میدهند . و پانزدهم یازدهم
 ایمن امام میباید - چند ابو عبیده در
 دامن کوهی که در کنار دشت شهرزور
 است در حله که حالای زن نامه را
 (بابیبر) بیکویند عبدالله هرجند نامی
 در آن نواحی توفت نموده تا در جای
 آنشکمه مساجد و مویاب اسلامی ساخته
 اسلام اسلام را در آن منطقه استحکام
 میدهد . سپس عازم (یارم) عهد آتیارا
 هم قتل عام و شام زان و دشمنان و
 اطفال صاب لشکر اسلام میزند . در
 آنجا سپهبد هرب . (عهد بن هرب)
 مسجود برگی بناموده .

یکی از سران (مادان چیل) را با
 جسی از اعراب در آنجا میگرددند . پس
 همی از اعراب ابرو ایچی خود زان و
 دشمنان متوکلین را متصرف شده شروع
 و نواک و تاسل میبندند که حالا سکه پاره
 و اطراف آن لب خود را بسازن چیل و
 اعراب جزو جمع او انتخاب میدهند .

عبدالله سر در دژ بلندی تارمسله
 اگردستان را بعهده تصرف در آورده
 همه جا آنشکمه هارا منظم نموده بجای
 آنها مساجد و مویاب ساخته است و احکام
 اسلام را تبلیغ و تعلیم نموده است

هر چند اکراد دروازه تیره در چک
 های چن شکور میازند های نسل برانه از
 دوازده شده اند . مینما همیشه در مردم بوده
 اند که همان شکمه هارا منظم نموده بجای
 اسلامی حفظ کنند چنگهای زمان خلفایی
 عباسی نیز به چک مهمی بودله از جمله
 چنگهای شوی که در سال (۳۰۷) و -
 (۳۱۴) هجری در شمال کردستان و ناصح
 شدند همه چک مهمی بودله و برای حفظ
 مذهب بود - اهالی اورامان هر چند به
 حسب طایفه مسلمان شده بودند و نواز و
 دروازه و آباد و ادب اسلام را بجای می
 آوردند .

اما نسال ۴۹۹ هجری شاهرهان
 کیش زودش بیانی بودند پانزدهم که
 مولا (گنایش) اعازمه متعاقب مردوخ -
 شروع بسلامت قرآن و تبلیغ عقاید اسلامی

مرغ سیاه نقش سید است . دینک چه سوراخ شود در
 پندار مکرده . که مصدرش بنوی کردی از سیاه بنگانه است و تعسک
 (رحمت علی) و سر در سه روزی در خطوطی از لاله بنگانه
 باز دریند دینک میگردد (در لوران کبابان چن گزیند برکن - کالی
 بزرگ کالی بن بزرگ - کرک کبابان علی چه گزیند - روس
 چه در این بزرگ چورگرا) یعنی نرنگان چاندانده . چکر و دشمنان
 و رنه و زنجار است . که بر سر کشته و کرم بن بزرگ اند مرغ
 از تمام است و تمام از مرغ دروازه از دروازه و گنبد از گنبد -
 مصدرش چاندان بود یعنی ایوان است و ظهور آثار چانه در آنها
 که چوبه برک میبکند . دیان قوم و نسل از ناهان . و تیره تغییر
 از برای درها که هر اونی نوع خود را توارب میکند معلوم میشود
 که قدسا . محوس داداری همیشه لاله بود انده
 که بشر آغاز اورد . هیچ نومی منتهی بارد نشود (دوجو بکلیاب
 دیشبان الدناب پیش شهریار)

موان کتاب مذکور چنانکه از نامش هم بیاد است شکن نیست
 که محوس بوده چه در شهریار درم است . که مسلمان بوده است
 این نیز در بار در تیرچه . شایر . که دیده در پشت رسول بوده است
 او را نرنگان غلط کرده اسم نرنگان از برای مصلحت کرده خود را سید
 غرابان است . که سلام هم اهالی اورامان او را سید مصلحت میکنند
 این نیز شهریار است . صاحب شرح غیر افکار گزیند بوده و با او
 روابطی داشته است

در حدود سال ۴۸۰ هجری این نیز شهریار کتاب معرفت را
 تیر دانه برین از این کتاب آرا که با بیانات اسلامی اصلاح داشته
 ترک کرده است و اهالی آن دهه تالی فرستت اورا به است
 از نسل مله مذکور کا لاله و درش منبوه که گرد ها آری از
 برست بوده اند . و با ابراس بر سایر قرآن آری هم زیاد هستند و این
 است کا لاله مارغ غنه است بزرگی که باقی است مادر آن صحت
 بکیم حین است که به امانم رفته است گرد بکجا منتهی میشود آیا
 کرد مرادف امامت است یا جزو امامت و با بکسی مان جزو کرد
 است .

دانیل مرزگو که جارت از هسان زودش
 است که مشهور به دوشتر سپهبدی
 است . یعنی نین مرزگو (دوجو بکتلیاب
 دیشبان الدناب صله) که
 کتاب معرفت نامبر در اورامان است
 و بر حسب وصیت خود پیش شهریار بدست
 بیکجا میدهد سراسر اصیبت و حکمت
 است که مقام فضل و معرفت پیش شهریار
 و اکلا نشان میدهد .
 در یکی از بنه های آن کتاب نوشته
 (و دیوبه و اورو و دره و دینه و دره برید
 جواز سرین) (گرگی سیاره و هیش چرمینه
 کوهلی میر بودی برین) : یعنی برین
 میباشد برف غوره است و من بانه غوره
 چهار سر پیدا میگنند

آفای سرنگه خداداد مراد شکله ۸ غرام منظر غمستین
 نعت تالیب - قرار گرفته است .

نامه ها و تلگرافات وارده

از سندج
یکی از خوانندگان ما مینویسد
صارت همه سندج که یکی از آثار تاریخی
است و در سابقه جاهل و نادانی و طعانی
چند طری از مامورین سابق نسبت میده
آنها را از میان رفته مثلا فرود آرمایش
دیگری و گذشته است بدین منی که... ای
مراتباً بیولا کلاه مامور تخریب پای
آن شده اند.

درواقع فهر بود و رنگه عده ای از آقای
متکلمین بستج آنه دورری این تپه بست
های دیده پای ساخته حال که چند تریب
زیبا بیان است لایه میخوانند این آنرا
برادر خود و پسر او را بر روی ویرانه این
بنای تاریخی شهر بمهرا در آورده.

از کرمانشاه
آقای حیدر خدا داد، ضمن اظهار
سرت ازا ایشان نامه کوهستان مارا با نامه
این عده است اجناسی تشویق نموده اند.

از همدان
آقای مهدی آبیرونی از اظهار
نامه کوهستان اظهار سرت نموده اند.

از کرمانشاه
آقای ابراهیم نادری مراد الهی مینی
بر اظهار خوشفروتنی از انتشار نامه کوهستان
لوقه و مقاله بسیار مفصلی از اخبار اوضاع
گردستان و حدیثات مامورین و فرود توج
فولنه مامورین و حدیثات و فرسگی برای ما
فرستاده اند که متأسفانه به علت کسی...
و استیم چاپ کنیم.

نرسندج
آقای باغی خانی ضمن نامه مفصلی
از اظهار نامه کوهستان اظهار خوشفروتنی
نموده اند.

در موقتیکه
صفحات نامه
کوهستان
بسته شده بود
تلگرافی از
گروس
رسید و در
آن عده ای
بمعترض
هائی نموده
بودند
با درج من
تلگراف در
شماره بعد
خوانندگان
را از چگونگی
آه مستعصر
خواهیم داشت

از تهران
دانش آموزان مهابادی هائسرای
تهران فرس مینی بر اظهار خوشفروتنی
انتشار نامه کوهستان بنا نوشته اند.

از سندج
آقای محمد سید پیرای ضمن مقاله
ای تحت عنوان « بنام باهالی مستعصر
گردستان » می نویسد:

حردم با توجه به سوازی این درخشان
پایه در این بوم ننگ دوراه مبین از جان
و مال مندره... نشود و راه ایجاد عظمت
گشود و بر علیه بشاگردانی که نام مامور
دولت را بر خود گذاشته اند چه مبارزه
کنند.

اخبار سقز
۱- روز ۱۵ فروردین کسپون
رسیدگی بوضع مشغولیه تشکیل شد.
۲- روز ۱۸ فروردین آقای سرهنگ
صاری فرستاده تپ چینه پلر وارده
فده اند.

۳- با وجود اینکه سال تحصیل تریب
بازمان است و امتحانات بزودی شروع
خواهد شد عمده ای تا کون کتابهای سال
اول و فرود بیست و نیا بسقز نرسیده و صورتی
که پیش از ما است بهاء کتب نرسیده
فر... فده است.

۱- است نامه ای از افاضات
فرهنگی در سقز خوب بفرودگان امام
چمه و اسدی و دیگر سکا بل و شهید
چینی در این باب میفرسد می دانسته.

۲- با وجود اینکه کتابنامه گردستان
پلر برای اهداس فرستاده می شود کتابت
متشده از رسیدن بخش شماره هائساره
اند ما مطمان داریم از طرف فرستاده

روزنامه است مرکزی قصوری بشود ولی
روضیت اناره بست سقز اطلاعیه نهادیم
بمینی است اگر شکایت دیگری برسد
ناگرم بر وجه وزارت است و ناگرم
لقه و ناگرم و دوروز تریک... می در
تپه خانه سقز شده باشد مط... اهداس که
مرتکب این عمل شده باشد بدون تریب
نخواهد ماند.

از سقز کین سقز تقاضا می نمود هر
شماره ای از نامه کوهستان یا شان نرسیده
ما را مطلع فرمایند.

از سندج
یکی از خوانندگان ما مینویسد:

فرهنگ گردستان الله دبیر زبان انگلیسی
است و از این لحاظ متصالح در ماسه
انگلیسی، با اینکه اکثر جای فرانسه
انگلیسی میخوانند، از دبیرستان خارج
شده و به پناه معلم خصوصی و کلاس
درس اختصاص هم وجود ندارد تا افلا
حردم از آن استفاده کنند.

از تهران
آقای م... و اجم فرس که در شماره
۵ تحت عنوان « دست برداری مسلطانه »
گرمادهای درج فده بود نامه ای نوشته
اظهار فرموده اند که سرکار سرهنگ هاشم خانی
فرستاده تپ کرمانشاه علاوه بر امنیت
و آرامش منظره جابری در سطح امنیت
داخلی شهر هم چندتای مخصوص میلول
میدارد.

هموضوع دستگیری اکر البهاری
مینویسد که این هس که با اسله دولتی
میچیز و سرپرست محال اخبار عالی است
دور سقزهای شهر دست دانه تمام واقع
زیر سراد و آدمهای او بوده است

فدای برایش حاضر خود بالاخره پس از لحظه ای ترهه گشت. املت
بزرگم دارم.

- بسیار خوب باشد هر چه زودتر جمله کینه دار من بسیار گرسنه
رشته است. لیه سرعت از طبق خارج شه.

هراس بنبره اطان را بال فر گشت، چه گرمای طاقت نرسالی است
دولتت خورا بسیار گرم بود، هیچ اسیر ملا می فراتان نانو نگردا ما
عواملی از ایرون شنیده شه، مام کولانه از پرسن پرسید ا در بیرون
چه خبر است؟

- ما شنه میچه چیزی نیست، مره جوانی که ما در چین پیاده شدن
از آلانسه، تا حده گرم مشغول ناوشن نانو است و علت با هشت ظرم
دور بود گرفته اند.

- همان جوانی که شا زده ا
من او را زدم، شما خود دیدید که فقط او را از پیش راندم
اسلاب این اتالیباها ما اینقدر گستاخ و جسور هسته که همیشه باید آنها را
مر جایی خود تقاضا.

- اما شما چه مواظب مملیات خود نیستید، اینکالوسی احتیاطی
بزرگی است، سس کیده بعد از این ملازم تر و مود تر بایدید. در این
لحظه صدائی شنیده شه، مادام کولانه خود را به پنجره رسانیده با پرسش
مچون را نشاگر کرد. از آن در میان فتوحه گانی ایستاده بود. خنل فرزی
با بی لیدی در روی هاش هاش ایستاده شه بود، پیک کلاه نمی کشاد
بصورت گسب گوش ساهه مالکنده، گامگاهی چشان ملازم و متفکرش
را بجانب آسمان بلند میگرد و از آنرا (زع میبوس) را میخوانند گفتگی
آزادی و نظرتن و اظهارش را از اسارت و بدگی بصورت ضعیف دلکش

تا از اوای مطبوع و سلام دو زیر آسمان صاف بر پای رفته ایجابا بگوش
فتوحه گاش می سروده.

فصل دوم
« يك شخصیت مشكوك »

در این لحظه دختر باطن از اسلاوی وارده اطان فده خانم
کولانه از رسیدن این خواننده گشت:

- این هس بگرم بدهی گرامت، حراسی با تریب پرسید
پدیده بگرم بگرم، کولانه داد جواب داد بدهی گرامت که
در یک لحظه بدون فکر و تأمل افساری سروده میخواند، این نوع
تصنیف مخصوص ایتالیاست.

راستی خوب میخواند، زبان سلیس و در هاش باسانی کلمات
در او نمایان خوبی ادا میکند، مین و بدشتر کرده گشت. آ پاشان
میگید که در این با تریب خود ترانه در زین میبوس، را ساخته باشد؟
دختر جوان با خنده بر من تالی جواب داد بی، و ناگلب خوب میانه که
میبوس بجزاره چکوه در زندان فکر میکنند.

حراسی تریب و ابدائی بلدی پرسید بطور آبا میخوانه
بگویند که او خود در زندان بوده است!

لیدا هاشه خارا بالا اند انداخته گشت، کی میانه هاشه بوده است.
خام کولانه با لحنی که از اشتراب دوری ارجحالت می
کرد گشت، امیدوارم که برای جانشین بر دانه رفته باشد. او
عشوتن پرس فرمود که در هنگام پیاده شدن نسبت به آن جوان امر از
داشته بود به خاطر آورده باشد ای ملامی گشت اما ایله بسیار آرام و
بیبی داره

